

ترجمہ از اردو با تحشہ و تکملہ
عبدالہی حبیبی - کابل

مؤید جاجرمی و ترجمہ احیاء العلوم بزبان فارسی *

در عہد سلطان ایلتمش (۶۰۷ - ۶۳۳ ق = ۱۲۱۰ - ۱۲۳۵ م) احیاء علوم الدین امام ابو حامد محمد بن محمد غزالی از عربی بفارسی ترجمہ شد. نویسنده این سطور از نسخہ کامل این ترجمہ اطلاعی ندارد، ولی فقط سه جزو آنرا دیدہ ام، و آنچه دربارہ این ترجمہ و مترجم آن بدست آمدہ چنین است: کتاب احیاء چہار قسم دارد: قسم اول عبادات. قسم دوم عادات. قسم سوم مہلکات. قسم چہارم منجیات. کہ ہر ربیع آن مشتمل بر دہ کتابست. يك حصہ این ترجمہ فارسی در موزہ برتانیاست، کہ در فہرست دیو Rieu ذکر آن نیامدہ، و شاید کہ بعد از طبع فہرست مذکور بموزہ آوردہ شدہ باشد. کہ عبارت از اکثر ترجمہ ربیع اولست، و روتوگراف آن را در کتابخانہ ملی تہران دیدہ ام، کہ مجلد ضخیمی است.

در کتابخانہ دانشگاہ پنجاب نیز ترجمہ جزو دوم ربیع اول موجود است کہ از ذخیرہ کتب مرحوم پروفیسر شیرانی بودہ و نسخہ نفیس قدیمی است مشتمل بر ۱۹۷ ورق ۱۵ سطرہ قطع ۷/۵ در ۳/۵ انچ بخط نسخ حنفی و عناوین شکر فی، کہ درسہ ۷۹۷ ق کتابت شدہ ولی سر و آخر آن ناقص است، و شامل ترجمہ مطالب احیاء طبع مصر ۱۳۴۸ ق از صفحہ ۹ تا ۱۱۷ باشد، و آغاز کتاب از مبحث عجائب القلب ناقص الابد است.

ترجمہ کتاب دوم و سوم آن کامل و از کتاب چہارم تا دآفت چہاردم دروغ در سخن و سوگند، است، و مطابق رسم خط قدیم گہ، ک و ج، ج نکاشتہ شدہ و کشش ک بطریق خاص کھر است.

نسخہ دیگر ترجمہ جزو سوم در کتابخانہ راقم این حروف موجود است، کہ تا قسم چہارم میخیات مطابق جلد ۴ ص ۴۷۸ طبع عربی مذکور میرسد.

این نسخہ نیز در آغاز و انجام ناقص و عدد اوراق آن ۳۲۲ نوزدہ سطرہ بقطع ۱۲ در ۹/۵ انچ و خط نسخ جلی است کہ غالباً در ہندوستان نوشتہ شدہ و آیات قرآنی آن جلی تر و دارای اعرابست. گہ - ج مانند نسخہ سابق الذکر و کلمہ آنچه «انچ» نوشتہ

شده و كمشك آن قدری پائین بوده و روی همرفته نسخه نفیس و كهن تصحیح شده است كه در بین آن چند ورق ضایع گردیده و بعد از آن بخط جدیدی نقل و تكمیل کرده اند و بر ورق ۲۹۷ ب نام مترجم را چنین نوشته اند :

« مترجم مولانا علامه مجد المللة والدين قدوة المحققين، خاتم المجتهدين امام النقل و العقل ، الهادي الى الله ابو المعالي مؤيد بن محمد الجاجرمي قدس الله روحه العزيز » .

بر صفحه آخرين كه نوشته آن قدری ناقص است نوشته اند :

« مؤيد محمد جاجرمي كه مترجم اين كتاب است ... مي گويد ... و توفيق ارزاني داشت ... تا اين ضعيف ترجمه اين كتاب را ... از پرده عربيت بيرون آورد ... و از حضرت ذوالجلال بتضرع و ابتهال مي خواهد كه ميامن و بركات آنرا موجب ثبات سلطنت و مقتضى مزيد مملكت سلطان السلاطين شمس الدنيا والدين گرداند و مئو (بات)
بايام دولت صاحبي مؤيد الملكي رساند . »

از تفصيل فوق روشن مي آيد كه ترجمه كامل ربع اول موجود و از ربع سوم و چهارم هم حصه بزرگ بدست مي آيد ، ولي ترجمه ربع دوم بمن معلوم نيست جز آنچه ذكر آن در چند سطر كنز المباد مي آيد .

اما مجد الدين ابو المعالي مؤيد بن محمد جاجرمي كه بود ؟
جواب مفصل اين سوال از كتب تراجم و تاريخ بدست نمي آيد . مولوي رحمان علي بر صفحه ۲۷۷ تذكره علمای هند صرف اينقدر مينويسد :

« ملك مؤيد جاجرمي در عصر جلال الدين خلجي بود . »

سلطان جلال الدين خلجي از سنه ۶۸۹ تا ۶۰۵ ق در هند شاهی داشت و آنچه رحمان علي نوشته هم از تاريخ فيروز شاهی ضياء برنی اقتباس کرده باشد ، كه در آن ذكر « امير مؤيد جاجرمي » سه بار آمده : اولاً در ص ۱۷۴ در جمله وزيران و اميران عهد جلال الدين نام « ملك مؤيد الدين جاجرمي » شامل است و جاجرمي بلاشبهت تصحيف جاجرمي است .
در صفحه ۱۹۹ نیز در فهرست نديمان سلطان نام او آمده و گويد :

« و نديمان مجلس سلطان ، تاج الدين عراقی و امير خسرو و مؤيد جاجرمي و پسراييك دعاگو و مؤيد ديوانه و صدر عالی و امير ارسلان كلاهی و اختيار باغ و تاج خطيب كه در انشاء سخن و دانش سخن و علم تاريخ و آداب ملوك مثل ایشان ديگرى نبودندى . »

و باز در ص ۲۰۱ تاريخ فيروز شاهی آمده :

در عصر جلالی که مجمع اکابر و ذوقنونان عالم بود ، چند ملك معلوم آراسته بودند ، چنانچه ملك قطب‌الدین علوی و ملك تاج‌الدین کهرامی و ملك مؤید جاجرمی و ملك سعد‌الدین امیر بحر که هر يك از ملوكان مذکور در صدر فرماندهی و مسند اشغال خطیر متمکن بودند...»

این ملك مؤید جاجرمی که برنی ذکر کرده ، ظاهراً همین مترجم احیاست ، ولی درینجا اشکال خفینی هست ، که در ترجمه احیاء نام سلطان شمس‌الدین صریحاً مذکور و در جلد اول ذکر وزیر جنیدی هم آمده که وزیر ایلتتمش و پرورنده عوفی مؤلف جوامع الحکایات بود ، و این وزیر جنیدی : ابو حامد قوام‌الدین نظام الملك محمد بن ابی سعد جنیدی دهلویست (۱) ، که در سنه ۶۰۷ ق به وزارت ایلتتمش رسید و تا آخر عهد سلطنت او ۶۳۳ ق بر همین مرتبه باقی بود ، و بعد از آن وزیر فرزند ایلتتمش یعنی رکن‌الدین فیروز شاه بود ، ولی سرکشی کرد و با جمعی از امیران به لاهور رفت ، و رکن‌الدین او را تعاقب کرد ، مگر بالآخر جمعیت امراء دختر ایلتتمش سلطان رضیه را بر تخت دهلی نشانند و رکن‌الدین را بزندان بردند . ولی نظام‌الملک جنیدی با لشکری از لاهور بر دهلی تاخت و چون شکست خورد بطرف سرمور گریخت و در آنجا در عهد رضیه در بین ۶۳۴ تا ۶۳۷ ق درگذشت . (نزّه الخواطر ۱/۲۰۳)

بهر حال ، از ذکر نامهای جنیدی و سلطان شمس‌الدین برمی آید ، که مترجم فارسی ترجمه احیاء را در عهد ایلتتمش ختم کرده است . و اگر ما این کار را در سال آخر حیات ایلتتمش ۶۳۳ ق بشماریم ، پس تا جلوس جلال‌الدین خلجی یعنی ۶۸۹ ق ۵۶ سال فاصله دارد ، و اگر در سنه ۶۳۳ مترجم را ۳۰ ساله بدانیم ، پس در عصر جلال‌الدین خلجی باید در حدود ۸۶ ساله باشد که برای منصب ندیمی شایسته ولی محال نیست . زیرا خود جلال‌الدین خلجی هم در وقت جلوس ۷۰ ساله بود ، و برای يك پادشاه کهنسال ۷۰ ساله ندیمی که ۸۶ ساله باشد ، بسیار محل تعجب نباشد .

در اذکار ابرار (طبع آگره ۱۳۲۸ ق) ص ۴۴ ذکر « حاجی مجدالدین جاجرمی دهلوی » هم آمده و از آن برمی آید ، که وی معاصر قاضی حمیدالدین ناگوری (متوفای ۶۴۳ ق) و قطب‌الاولیاء (متوفای ۶۳۳ ق) (۲) و از منکران سماع بود ، که در آخر بان گروید و منصب قضا را ترك کرده و در زوایای صوفیان درآمد و با همراهان خود از « کاملان زمانه گشت و بدرجه شهادت رسید » . که ظاهراً این ذکر همان جاجرمی مترجم احیاست .

(۱) این وزیر عربی الاصل بود . بنگرید : دیباجه جوامع الحکایات از محمد نظام‌الدین طبع گیب ص ۲۰۹ و بداونی (۱/۶۴) که درین کتاب بجای جنیدی بغلط جنیدی نوشته شده است .

(۲) مراد قطب‌الدین بختیار کاکلی عارف افغانی مدفون دهلی است که دیوان اشعار فارسی و هم نمونه اشعار پشتوی او در دست است (مترجم)

ترجمه احیاء در مردم بسیار مقبول گردید. برنی در احوال علاء الدین خلجی (ص ۳۴۶) می نویسد: که این ترجمه در سالهای (۶۹۵ ق تا ۷۱۵ ق) بین مردم باین اندازه مطلوب بود که :

« و رغبت بیشتری متعلمان و اشراف و اکابر که بخدمت شیخ (یعنی شیخ الاسلام نظام الدین اولیاء) پیوسته بودند در مطالعه کتب سلوک و صحائف احکام طریقت مشاهده میشد ، و کتاب قوت القلوب و احیاء العلوم و ترجمه احیاء العلوم و عوارف و کشف المحجوب و شرح تعرف و رساله قشیری و مرصاد العباد و مکتوبات عین القضاء و لوائح و لوامع قاضی حمید الدین ناگوری و فوائد الفواد امیر حسن را بواسطه ملفوظات شیخ خریداران بسیار پیدا آمدند . »

این سخن به اواخر قرن هفتم و آغاز صد هفتم هجری تعلق دارد . در یک کتاب دیگر قرن هشتم (۱) هجری کنز العباد فی شرح الاوراد ، چندین بار ذکر ترجمه احیاء و اقتباسات از آن آمده ، و کنز العباد شرح اوراد شیخ اجل محی السنه شهاب الدین سهروردی (متوفی ۶۳۲ ق) است که یک شرح عربی اصل فارسی آنرا علی بن احمد الفوری ساکن کره مرید شیخ رکن الدین نوشته و مشتمل بر منقولات کتب فتاوانی و واقعات است ، که شرح بالقول است (بنگرید : حاجی خلیفه طبع لندن ۱۸۵۰ م ۲۵۴/۵) درین کتاب با عبارات طویل عربی و فارسی از کتب فقه و تصوف مروج هندوستان اقتباساتی دیده می شود ، که مؤلف عبارت فارسی را با اشاره قوله درج کرده و این کتاب در سنه ۱۳۲۰ ق در قازان طبع گردید ، و نسخه های خطی آن در انجمن آسیائی بنگال و استانبول و دیگر کتب خانها موجود است (بنگرید : براکلن ۴۴۱/۱ و تکمله وی ۷۹۰/۱) .

یک نسخه قدیم اما ناقص کنز العباد در کتابخانه دانشگاه پنجاب هم موجود است دارای ۱۹۰ ورق که نصف آخر کتاب باشد و در آن علاوه بر متن عربی احیاء لا اقل هفده بار از ترجمه الاحیاء هم اقتباساتی دیده می شود که جمله ۹۰ سطر شود (بنگرید : اوراق ۲۳۶ ، ۲۶۰ الف ، ب (ربع دوم) ۲۶۲ الف و ب ۲۶۹ ب ۲۷۰ ، ۲۷۲ ب ۲۷۶ الف و ب ۲۷۸ ، ۲۷۹ ، ۳۸۶ ب) .

(۱) بروکلن (۷۹۰/۱) کنز العباد را از تصانیف قرن ۹ داند مگر در مفتاح النجنان اقتباساتی از آن کتاب هست ، که در حدود ۷۷۰ ق تألیف شده (بنگرید : فهرست مخطوطات فارسی کتابخانه اند یا آفس شماره ۲۵۶۵) علاوه ازین لغه ری مرید شیخ رکن الدین است ، که بقرار فهرست مخطوطات عربی دیوان هند از Loth ص ۹۳ این شیخ رکن الدین غالباً حضرت ملک المشایخ و الاولیا ابوالفتح قریشی است یعنی : رکن الدین ابوالقاسم فضل الله بن شیخ صدر الدین محمد عارف بن بهاء الدین زکریا ملتانی که وفات او در سنه ۷۴۵ ق است پس کنز العباد تألیف قرن ۸ باشد نه قرن ۹ ق .

در دفتر اول ابوالفضل (طبع کانپور ۱۲۰۹ ق) برص ۳۹ تحت عنوان « دستورالعمل حضرت شاهنشاهی بمعالان ممالک محروسه و متصدیان مهمات مرجوعه » هدایاتی به کارکنان حکومت دیده می‌شود که در آن گوید (ص ۴۰ سطر ۱):

« و در هنگامیکه کار خلق خدا نباشد بمطالعه کتب ارباب صفوت و صفا مثل کتب علم اخلاق که طب روحانیست و خلاصه جمیع علومست چون اخلاق ناصری و منجیات و مهلکات (۱) احیاء علوم و کیمیای سعادت و مثنوی مولوی روم و کلبله و دمنه مشغولی کند تا از غایت مراتب دینداری آگاه شوند... »

درین اقتباس انشاء ابوالفضل غیر از احیاء علوم ، دیگر کتب همه بزبان فارسی است و ازعمال و متصدیان امورعهد اکبری توقع نمیرود که ازمتن عربی احیاء استفاده کرده‌توانسته باشند ، بنابراین جای تعجب نیست که مراد از احیاء درین عبارت **ترجمه فارسی** آن باشد. بهرحال اگر تا عهد اکبری ترجمه فارسی احیاء معروف بود ، بعد ازین بتدریج کمیاب گردیده و نایاب شده باشد.

سرسید احمدخان از کتاب احیاء ترجمه فارسی « کتاب الحقوق » را در ۱۵ صفحه در مجله آگره ۱۸۸۸ م بطبع سنگی نشر کرد ، و همدرین سال در همین مطبع ترجمه کتاب الصدق احیاء را چاپ نمود که ۱۲ صفحه باشد (بنگرید : فهرست کتب مطبوع فارسی موزه برتانیه مرتب کرد ای ، ایدواردس . لندن ۱۹۲۲ م ستون ۴۲۰).

آیا این اقتباسات سرسید احمد از ترجمه جاجرمی صورت گرفته ؟ جواب این سؤال به مطالعات آینده در مجلات مذکور و تطبیق آن با متن ترجمه خطی احیاء وابسته است (ختم) **توضیح مترجم** : جاجرم از شهرهای خراسان بود و مؤلف حدود العالم گوید: جاجرم، شهر کیست بر راه گرگان بر سرحد و بارکده گرگانست و این کومش و نشا بورست (ص ۵۶ طبع تهران ۱۹۳۲ م) قراریکه مینارسکی در شرح و تعلیق حدود العالم مینویسد ، جاجرم مربوط ولایت نشابور و برخط مرزی خراسان و گرگان واقع بود، که مقدسی هم آنرا ذکر کرده ولی در اصطخری نیامده است. (ص ۱۶۷ طبع و ترجمه کابل ۱۳۴۲ ش) شاید آباء و اجداد مؤید جاجرمی مترجم احیاء از همین ولایت خراسان بهند رفته و منسوب به همین جاجرم باشند که ذکر این عالم دین ، در کتاب بزم مملوکیه تالیف سید صباح الدین ندوی طبع اعظم گر هند ۱۹۵۴ م هم آمده است .

مخفی نماند که يك جلد ترجمه فارسی احیاء العلوم در حدود سنه ۱۳۳۰ ش از قندهار

(۱) کذا در دو نسخه خطی انشاء ابوالفضل . که یکی از نسخه نوشته شده ۱۰۹۸ ق

نقل شده . و دومین تاریخ کتابت ندارد ولی مؤخر از نسخه اولست .

بکابل آورده شده بود ، که در کتابخانهٔ ارك جمهوری کابل محفوظ باشد ، این نسخه در فهرست کتب خطی افغانستان به نمره (۲۲۰۶) قید است ، که قطع آن ۲۳ در ۱۷ سانتی متر در ۴۰۱ صفحه ۲۱ سطریست و در سنه ۱۱۲۴ ق بخط نسخ محمد طه بن عبدالرحیم سلیمانی نوشته شده است (فهرست مذکور ، ص ۱۵ طبع قاهره ۱۹۶۴ م).

متأسفانه که این نسخه نیز ترجمهٔ کامل احیانیست و يك نصف تمام کتاب را احتوا می کند ، ولی تا جاییکه با نظر سرسری دیده ام ، نسخهٔ منقح صحیح و خواناست و خط آن هم نسخی متوسطست که کاتب آن غالباً در حجاز یکشخص سلیمانی (افغانی) باشد ، زیرا سلیمانی منسوب بکوه سلیمان است که عربها هر شخص افغان را باین نسبت مشخص می ساختند.

در معاصرین این مترجم احیاء ، امیر خسرو دهلوی است که ذکر او را بچنین وجه آورده: «طریقهٔ دوم علمای محقق ، این طریق چنان بود که شارح مشارع علوم عین عبارات را از موج تبهر خویش بچاشنی آب دهد که دلهای مرده را زنده گرداند ، چنانکه کتب پارسی مولانا بحرالمعانی محمد غزالی و ترجمهٔ احیاء ازان امام متبحر مجدالدین جاجرمی ...» (اعجاز خسروی ۵۵ طبع هند)

این ترجمهٔ احیاء بوسیله امام جاجرمی بعد از ۶۲۰ ق در دهلی خاتمه یافته ، و بدوین هم جاجرمی را در سلك فضلی روزگار جلالی می شمارد (منتخب ۱/ ۱۳۱) و از دیباچهٔ ترجمهٔ احیاء برمی آید ، که مجدالدین بهرهٔ کافی از علوم داشت ، و در لاهور به تدریس و افاضه پرداختن و گروهی از طلبهٔ علم را درس احیاء العلوم دادی ، که چندبار تدریس آنرا انجام داده بود ، و در سنه ۶۲۰ ق طوائف خلائق از ائمه و شیوخ و تاجر و عامی بروگرد آمدندی که بدین سبب مورد حقد برخی از علماء و انتقاد و بدخواهی ایشان گشتی . ولی انصار وی از احناف او را حمایت نمودندی .

وی بالاخر بترك لاهور پرداخت و در اواخر سنه ۶۲۰ ق بدلهلی آمد و بگفتهٔ خود وی :

« مجلس عالی صاحبی مثال داد و اشارت فرمود که احیاء علوم دین را بیارسی ترجمه باید ، تا همگان را از وفایده باشد ، چه اکثر خلق از ادراك عبارت تازی قاصراند ... سالهاست تا خاطر خطیر و رای منیر وی بدان مصروفست که احیاء علوم دین به ترجمه رسد ... بر مقتضی این مقدمه این دعا گوی را بترجمهٔ آن مثال داد .» (اقتباس از مقدمهٔ ترجمهٔ فارسی نسخهٔ خطی)

بدین طور امام جاجرمی ترجمهٔ احیاء را در دهلی بحمایت و امر جنیدی وزیر دهلی

انجام داد ، و بقول خود وی درین ترجمه اصول ذیل در نظر او بود :

اول : آیات قرآنی و احادیث نبوی و اقوال اصحاب پیامبر بعبارات اصلی آن نقل و بعد از آن ترجمه آن داده شده تا به رجوع خود احیاء ضرورتی نباشد.

دوم : مؤلف احیاء مسائل فقهی را بمنهـب شافعی آورده ، ولی مترجم مسائل مذهب حنفی را هم بر آن افزوده است .

سوم : در برخی موارد که ضرورت تفصیل و توضیح مزید بوده ، تحت عناوین فایده و مترجم گوید مطالب مفیدی را بر آن افزوده است.

چهارم : ازانـشـا پـردا زـی و تـر صـیـع و جـنـاس و اسـجـاع در گـذـشـته و تـر جـمـه خود را بعبارات ساده و عام فهم در آورده است .

بدین نهج علاوه بر مطالب متن عربی احیاء العلوم ، در ترجمه جاجرمی در حدود یک هزار «فایده» افزوده شده است و در آن جاییکه مترجم در مقابل کلمات عربی الفاظ فارسی داشته آنرا در ترجمه جای داده ، و گرنه کلمات فارسی نیافته ناچار عربی را گرفته است . تا جاییکه معلومات داریم ، مخطوطات ذیل این ترجمه معلوم اند :

۱- ربع اول : مکمل در موزه برتانیای لندن و همچنین یک نسخه مکمل آن در کتابخانه ملی تهران نو خریداری شده .

۲- ربع دوم : شناخته نشده ، ولی از وجود یک نسخه ناقص نصف اول این ربع در کتابخانه ملی الیبو خیر داریم . و آنچه گفته شده که در هند هم یک نسخه آن موجود است صحیح نیست .

۳- ربع سوم : دو نسخه خطی آنرا سراغ داریم : یکی در کتابخانه ملی مصر . دوم در مجموعه کتب مرحوم پروفیسر شیرانی دانشگاه پنجاب که نسخه قدیم ناقص است مخطوطه ۷۹۷ ق مشتمل بر ۱۹۷ ورق .

۴- ربع چهارم : دو نسخه خطی آن معلوم است : اول در کتابخانه ملی مصر . دوم در مجموعه شخصی کتب مرحوم محمد شفیع لاهوری مشتمل بر ۳۲۲ ورق، که مضمون آخر کتاب و نام مترجم آنرا سابقاً گفتیم . (دکتر نذیر احمد : اوقات و آثار امیر خسرو ۱۲۴/۱ طبع بمبئی ۱۹۷۶) .

بدین صور آنچه در نام مترجم احیاء و نسبت او اشتباه روی داده ، در خود تصحیح و تأملست و باید مؤید جاجرمی خراسانی را (بالقابه) مترجم احیاء و یکی از مفاخر مشترک علمی و ادبی خراسان و هند دانست . (کابل ، ۱۵ حوت ۱۳۴۵ ش)